

► صادرات فنتانیل که به اپیدمی مواد افیونی آمریکا دامن می‌زند؛ و

► تبلیغات، عملیات نفوذ و سایر اشکال براندازی فرهنگی.

دوم، ایالات متحده باید با متحدان و شرکای پیمان خود - که در مجموع ۳۵ تریلیون دلار قدرت اقتصادی دیگر به اقتصاد ملی ۳۰ تریلیون دلاری ما (که روی هم رفته بیش از نیمی از اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهد) اضافه می‌کنند - همکاری کند تا با شیوه‌های اقتصادی غارتگرانه مقابله کند و از قدرت اقتصادی مشترک خود برای کمک به حفظ جایگاه برتر خود در اقتصاد جهانی و اطمینان از اینکه اقتصادهای متحد تابع هیچ قدرت رقیبی نمی‌شوند، استفاده کند. ما باید به بهبود روابط تجاری (و سایر روابط) با هند ادامه دهیم تا دهل‌ی‌ن‌ورا به مشارکت در امنیت هند و اقیانوسیه، از جمله از طریق همکاری چهارجانبه مداوم با استرالیا، ژاپن و ایالات متحده («کواد») تشویق کنیم. علاوه بر این، ما همچنین تلاش خواهیم کرد تا اقدامات متحدان و شرکای خود را با منافع مشترک خود در جلوگیری از تسلط ره کشور رقیب واحد همسو کنیم.

علاوه بر این، روابط حیاتی دولت ایالات متحده با بخش خصوصی آمریکا به حفظ نظارت بر تهدیدات مداوم علیه شبکه‌های ایالات متحده، از جمله زیرساخت‌های حیاتی، کمک می‌کند. این به نوبه خود توانایی دولت ایالات متحده را برای انجام کشف، انتساب و پاسخ (یعنی دفاع شبکه‌ای و عملیات سایبری تهاجمی) در زمان واقعی، ضمن محافظت از رقابت‌پذیری اقتصاد ایالات متحده و تقویت تاب‌آوری بخش فناوری آمریکا، افزایش می‌دهد.

دیپلماسی «اول آمریکا» به دنبال ایجاد تعادل مجدد در روابط تجاری جهانی است. ما به متحدان خود روشن کرده‌ایم که کسری حساب جاری آمریکا ناپایدار است. ما باید اروپا، ژاپن، کره، استرالیا، کانادا، مکزیک و دیگر کشورهای برجسته را در اتخاذ سیاست‌های تجاری که به متعادل سازی اقتصاد چین به سمت مصرف خانوار کمک می‌کند، تشویق کنیم، زیرا آسیای جنوب شرقی، آمریکای لاتین و خاورمیانه به تنهایی نمی‌توانند ظرفیت مازاد عظیم چین را جذب کنند. کشورهای صادرکننده اروپا و آسیا همچنین می‌توانند به کشورهای با درآمد متوسط به عنوان بازاری محدود اما رو به رشد برای صادرات خود نگاه کنند.

سفرهای رسمی رئیس‌جمهور ترامپ در ماه مه ۲۰۲۵ به کشورهای خلیج فارس، قدرت و جذابیت فناوری آمریکایی را نشان داد. در آنجا، رئیس‌جمهور حمایت کشورهای خلیج فارس را از فناوری برتر هوش مصنوعی آمریکا جلب کرد و مشارکت‌های ما را تعمیق بخشید. آمریکا به طور مشابه باید متحدان و شرکای اروپایی و آسیایی خود، از جمله هند، را برای تحکیم و بهبود مواضع مشترک خود در نیمکره غربی و در رابطه با مواد معدنی حیاتی در آفریقا، به کار گیرد. ما باید ائتلاف‌هایی تشکیل دهیم که از مزایای نسبی ما در امور مالی و فناوری برای ایجاد بازارهای صادراتی با کشورهای همکار استفاده کنند. شرکای اقتصادی آمریکا دیگر نباید انتظار داشته باشند که از طریق ظرفیت مازاد و عدم تعادل ساختاری از ایالات متحده درآمد کسب کنند، بلکه در عوض باید از طریق همکاری مدیریت‌شده مرتبط با هماهنگی استراتژیک و با دریافت سرمایه‌گذاری بلندمدت ایالات متحده، رشد را دنبال کنند.

با عمیق‌ترین و کارآمدترین بازارهای سرمایه جهان، آمریکا می‌تواند به کشورهای کم‌درآمد کمک کند تا بازارهای سرمایه خود را توسعه دهند و ارزشی خود را بیشتر به دلار پیوند دهند و آینده دلار را به عنوان ارز ذخیره جهانی تضمین کنند.

بازدارندگی در مقابل تهدیدات نظامی

در درازمدت، حفظ برتری اقتصادی و فناوری آمریکا مطمئن‌ترین راه برای بازدارندگی و جلوگیری از یک درگیری نظامی در مقیاس بزرگ است.

یک توازن نظامی متعارف مطلوب همچنان جزء اساسی رقابت استراتژیک است. به درستی، تمرکز زیادی بر تایوان وجود دارد، تا حدودی به دلیل تسلط تایوان بر تولید نیمه‌های، اما بیشتر به این دلیل که تایوان دسترسی مستقیم به زنجیره جزایر دوم را فراهم می‌کند و شمال شرقی و جنوب شرقی آسیا را به دو عرصه مجزا تقسیم می‌کند. با توجه به اینکه سالانه یک سوم حمل و نقل جهانی از دریای چین جنوبی عبور می‌کند، این امر پیامدهای عمده‌ای برای اقتصاد ایالات متحده دارد. از این رو، جلوگیری از درگیری ر بر سر تایوان، در حالت ایده‌آل با حفظ برتری نظامی، یک اولویت است. ما همچنین سیاست اعلامی دیرینه خود در مورد تایوان را حفظ خواهیم کرد، به این معنی که ایالات متحده از هیچ تغییر یکجانبه‌ای در وضع موجود در تنگه تایوان حمایت نمی‌کند.

ما ارتشی خواهیم ساخت که قادر به رد تجاوز در هر کجای زنجیره اول جزایر باشد. اما ارتش آمریکا نمی‌تواند و نباید مجبور باشد این کار را به تنهایی انجام دهد.

متحدان ما باید برای دفاع جمعی قدم بردارند و هزینه کنند - و مهمتر از آن - هزینه بیشتری کنند. تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا باید بر فشار آوردن به متحدان و شرکای زنجیره اول جزایر ما با هدف اجازه دادن به ارتش ایالات متحده برای دسترسی بیشتر به بنادر و سایر تأسیسات، صرف هزینه‌های بیشتر برای دفاع از خود و از همه مهم‌تر، سرمایه‌گذاری در قابلیت‌هایی با هدف بازدارندگی از تجاوز متمرکز شود. این امر مسائل امنیتی دریایی را در امتداد زنجیره جزایر اول به هم پیوند می‌دهد و در عین حال ظرفیت ایالات متحده و متحدانش را برای جلوگیری از هرگونه تلاش برای تصرف تایوان یا دستیابی به توازن قوا به گونه‌ای که برای ما ناملوب باشد و دفاع از آن جزیره را غیرممکن سازد، تقویت می‌کند.

با توجه به اصرار رئیس‌جمهور ترامپ بر افزایش سهم ژاپن و کره جنوبی در بار مسئولیت، باید این کشورها را ترغیب کنیم تا هزینه‌های دفاعی خود را افزایش دهند، با تمرکز بر قابلیت‌هایی - از جمله قابلیت‌های جدید - که برای بازدارندگی دشمنان و محافظت از زنجیره جزایر اول ضروری هستند. ما همچنین حضور نظامی خود را در غرب اقیانوس آرام تقویت خواهیم کرد، در حالی که در تعاملات خود با تایوان و استرالیا، لفاظی‌های مصمم خود را در مورد افزایش هزینه‌های دفاعی حفظ خواهیم کرد.

پیشگیری از درگیری مستلزم یک موضع هوشیارانه در هند و اقیانوس آرام، یک پایگاه صنعتی دفاعی تجدید شده، سرمایه‌گذاری نظامی بیشتر از سوی خودمان و متحدان و شرکا، و پیروزی در رقابت اقتصادی و فناوری در درازمدت است.

ج. ارتقای عظمت اروپا

مقامات آمریکایی عادت کرده‌اند که به مشکلات اروپا از نظر هزینه‌های ناکافی نظامی و رکود اقتصادی فکر کنند. این حقیقت دارد، اما مشکلات واقعی اروپا حتی عمیق‌تر است. قاره اروپا سهم خود از تولید ناخالص داخلی جهانی را از دست داده است - از ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۱۴ درصد در حال حاضر - که تا حدودی به دلیل مقررات ملی و فراملی است که خلاقیت و سخت‌کوشی را تضعیف می‌کنند.

اما این افول اقتصادی تحت الشعاع چشم‌انداز واقعی و آشکارتر موج تمدن قرار گرفته است. مسائل بزرگتری که اروپا با آن روبرو است شامل فعالیت‌های اتحادیه اروپا و سایر نهادهای فراملی است که آزادی و حاکمیت سیاسی را تضعیف می‌کنند، سیاست‌های مهاجرتی که در حال تغییر قاره و ایجاد نزاع هستند، سانسور آزادی بیان و سرکوب مخالفان سیاسی، کاهش نرخ زاد و ولد و از دست دادن هویت‌های ملی و اعتماد به نفس.

این فقدان اعتماد به نفس، بیش از همه در روابط اروپا با روسیه مشهود است. متحدان اروپایی تقریباً در هر معیاری، به جز سلاح‌های هسته‌ای، از برتری قابل توجه قدرت سخت نسبت به روسیه بر خوردارند. در نتیجه جنگ روسیه در اوکراین، روابط اروپا با روسیه اکنون به شدت تضعیف شده است و بسیاری از اروپایی‌ها روسیه را به عنوان یک تهدید وجودی می‌بینند. مدیریت روابط اروپا با روسیه مستلزم تعامل دیپلماتیک قابل توجه ایالات متحده است، هم برای برقراری مجدد شرایط ثبات استراتژیک در سراسر سرزمین اوراسیا و هم برای کاهش خطر درگیری بین روسیه و کشورهای اروپایی.

یکی از منافع اصلی ایالات متحده، مذاکره برای توقف سریع خصومت‌ها در اوکراین است تا اقتصادهای اروپا را تثبیت کند، از تشدید یا گسترش ناخواسته جنگ جلوگیری کند و ثبات استراتژیک را با روسیه برقرار کند و همچنین بازسازی پس از خصومت‌های اوکراین را برای بقای آن به عنوان یک کشور پایدار، ممکن سازد.

جنگ اوکراین تأثیر نامطلوبی بر افزایش وابستگی‌های خارجی اروپا، به‌ویژه آلمان، داشته است. امروزه، شرکت‌های شیمیایی آلمانی در حال ساخت برخی از بزرگترین کارخانه‌های فرآوری جهان در چین هستند و از گاز روسیه که نمی‌توانند در داخل کشور به دست آورند، استفاده می‌کنند. دولت ترامپ خود را در تضاد با مقامات اروپایی می‌بیند که انتظارات غیرواقعی از جنگ در دولت‌های اقلیت ناپایدار دارند،

دولتی که بسیاری از آنها اصول اساسی دموکراسی را برای سرکوب مخالفان زیر پا می‌گذارند. اکثریت بزرگی از اروپایی‌ها خواهان صلح هستند، اما این خواسته به سیاست تبدیل نمی‌شود، تا حد زیادی به دلیل خرابکاری این دولت‌ها در فرآیندهای دموکراتیک. هدف ما باید کمک به اروپا برای اصلاح مسیر فعلی‌اش باشد. ما به یک اروپای قوی نیاز داریم تا به ما در رقابت موفقیت‌آمیز کمک کند و با ما هماهنگ باشد تا از تسلط هر دشمنی بر اروپا جلوگیری کند.

در درازمدت، کاملاً محتمل است که حداکثر ظرف چند دهه، برخی از اعضای ناتو اکثریت غیراروپایی شوند. به این ترتیب، این یک سوال بی‌پاسخ است که آیا آنها جایگاه خود در جهان یا اتحاد خود با ایالات متحده را مانند کسانی که منشور ناتو را امضا کردند، خواهند دید یا خیر.

سیاست کلی ما برای اروپا باید این نکات را اولویت‌بندی کند:
► برقراری مجدد شرایط ثبات در اروپا و ثبات استراتژیک با روسیه؛
► قادر ساختن اروپا به ایستادن روی پای خود و فعالیت به عنوان گروهی از کشورهای مستقل همسو، از جمله با پذیرش مسئولیت اصلی دفاع از خود، بدون تسلط هیچ قدرت متخاصمی؛
► پرورش مقاومت در برابر مسیر فعلی اروپا در داخل کشورهای اروپایی؛

► گشودن بازارهای اروپا به روی کالاها و خدمات ایالات متحده و تضمین رفتار منصفانه با کارگران و مشاغل ایالات متحده؛
► ایجاد کشورهای سالم اروپای مرکزی، شرقی و جنوبی از طریق روابط تجاری، فروش سلاح، همکاری سیاسی و تبادلات فرهنگی و آموزشی؛

► پایان دادن به این تصور و جلوگیری از واقعیت ناتو به عنوان یک اتحاد دائماً در حال گسترش؛ و
► تشویق اروپا به اقدام برای مقابله با ظرفیت مازاد مرکانتیلیستی، سرقت فناوری، جاسوسی سایبری و سایر اقدامات اقتصادی خصمانه

د. خاورمیانه: تغییر بار مسئولیت، ایجاد صلح
حداقل برای نیم قرن، سیاست خارجی آمریکا خاورمیانه را بالاتر از سایر مناطق در اولویت قرار داده است. دلایل آن واضح است: خاورمیانه برای دهه‌ها مهم‌ترین تأمین‌کننده انرژی جهان، صحنه اصلی رقابت ابرقدرت‌ها و مملو از درگیری‌هایی بود که تهدیدی برای سربایت به جهان گسترده‌تر و حتی سواحل خودمان بود.

امروز، حداقل دو مورد از آن یوایی‌ها دیگر پابر جان نیستند. منابع انرژی به شدت متنوع شده‌اند و ایالات متحده بار دیگر به صادرکننده خالص انرژی تبدیل شده است. رقابت ابرقدرت‌ها جای خود را به رقابت قدرت‌های بزرگ داده است، که در آن ایالات متحده رشک‌برانگیزترین موقعیت را حفظ کرده است، که با احیای موفقیت‌آمیز اتحاد‌های مادر خلیج فارس، با سایر شرکای عرب و با اسرائیل توسط رئیس‌جمهور ترامپ تقویت شده است. منازعه همچنان در دسرسازترین داینامیک خاورمیانه است، اما امروزه این مشکل کمتر از آن چیزی است که تیت‌را ممکن است به ذهن خطور کنند. ایران - نیروی اصلی بی‌ثبات‌کننده منطقه - از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و عملیات «چکش نیمه‌شب» رئیس‌جمهور ترامپ در ژوئن ۲۰۲۵ که برنامه هسته‌ای ایران را به طور قابل توجهی تضعیف کرد، به شدت تضعیف شده است. درگیری اسرائیل و فلسطین همچنان دشوار است، اما به لطف آتش‌بس و آزادی گروگان‌هایی که رئیس‌جمهور ترامپ تسهیل کرد، پیش‌رفتی به سوی صلحی دائمی‌تر حاصل شده است. حامیان اصلی حماس تضعیف شده‌اند یا از آن فاصله گرفته‌اند. سوریه همچنان یک مشکل بالقوه است، اما با حمایت آمریکا، اعراب، اسرائیل و ترکیه، می‌تواند جایگاه شایسته خود را به عنوان یک بازیگر مهم و مثبت در منطقه تثبیت و بازیابی کند.

شرکای خاورمیانه‌ای تعهد خود را به مبارزه با رادیکالیسم نشان می‌دهند، روندی که سیاست آمریکا باید همچنان آن را تشویق کند. اما انجام این کار مستلزم کنار گذاشتن آزمایش اشتباه آمریکا با زورگویی به این کشورها - به ویژه پادشاهی‌های خلیج فارس - برای کنار گذاشتن سنت‌ها و اشکال تاریخی حکومت خود است. ما باید اصلاحات را در هر زمان و مکانی که به صورت ارگانیک ظهور می‌کند، تشویق و تحسین کنیم، بدون اینکه سعی کنیم آن را از بیرون تحمیل کنیم. کلید روابط موفق با خاورمیانه، پذیرش منطقه، رهبران آن و ملت‌هایش به همان شکلی که هستند، در عین همکاری در زمینه‌های منافع مشترک است.

آمریکا همیشه منافع اصلی خود را در تضمین این روند خواهد داشت که منابع انرژی خلیج فارس به دست دشمن نیفتد، تنگه هرمز باز بماند، دریای سرخ قابل کشتیرانی باقی بماند، منطقه به محل پرورش یا صادرکننده تروریسم علیه منافع آمریکا یا سرزمین آمریکا تبدیل نشود و اسرائیل امن بماند. ما می‌توانیم و باید با این تهدید یا نظر ایدئولوژیکی و نظامی مقابله کنیم آنهم بدون دهه‌ها جنگ بی‌ثمر «ملت‌سازی». ما همچنین علاقه آشکاری به گسترش توافق نامه‌های ابراهیم به کشورهای بیشتر در منطقه و سایر کشورهای جهان اسلام داریم.

اما روزهایی که خاورمیانه چه در برنامه‌ریزی بلندمدت و چه در اجرای روزانه، بر سیاست خارجی آمریکا تسلط داشت، خوشبختانه به پایان رسیده است - نه به این دلیل که خاورمیانه دیگر اهمیتی ندارد، بلکه به این دلیل که دیگر عامل تحریک‌کننده دائمی و منبع بالقوه فاجعه قریب‌الوقوع، که زمانی بود، نیست. این منطقه به عنوان مکانی برای مشارکت، دوستی و سرمایه‌گذاری در حال ظهور است - روندی که باید مورد استقبال و تشویق قرار گیرد. در واقع، توانایی رئیس‌جمهور ترامپ در متحد کردن جهان عرب در شرم الشيخ برای دستیابی به صلح و عادی‌سازی روابط، به ایالات متحده اجازه می‌دهد تا سراجام منافع آمریکا را در اولویت قرار دهد.

سیاستمداران



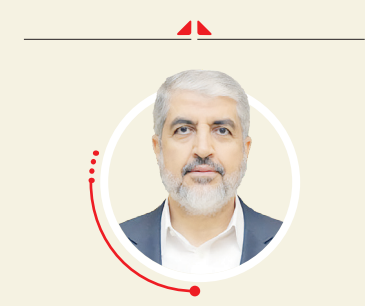
به اوکراین پاسخ می‌دهیم

رهبر چین گفت حمله پهبادی از سوی اوکراین به گروزی، بی‌پاسخ نمی‌ماند و چنین ظرف یک هفته آن را تلافی می‌کند. «رمضان قدیروف» رهبر چین در پیام‌سان تلگرام نوشت این حمله پهبادی به گروزی تلفاتی در پی نداشت اما باعث آسیب به یک مجتمع مسکونی شد. به نقل از خبرگزاری رویترز، وی در ادامه پیام خود نوشت: «حمله پهبادی اوکراین بی‌پاسخ نمی‌ماند و ما ظرف یک هفته آن را تلافی می‌کنیم. فاشیست‌های اوکراینی واکنشی جدی از سوی ما دریافت خواهند کرد.» رهبر چین ادامه داد: «بر خلاف اوکراین، ما حمله‌ای بزدلانه به اهداف صلح‌آمیز انجام نخواهیم داد.» اوکراین پیش از این نیز تعدادی از مکان‌ها در چین از جمله یک پادگان پلیس و یک آکادمی آموزش نظامی را هدف قرار داده است.



تاکید بر خودمختاری امنیتی

نخست‌وزیر ایتالیا با تاکید بر ضرورت خودمختاری امنیتی اروپا گفت: اگر اروپا می‌خواهد یک قدرت بزرگ باشد باید بتواند از خودش دفاع کند. «جورجیا ملونی» نخست‌وزیر ایتالیا در گفت‌وگویی تلویزیونی درباره استراتژی جدید امنیت ملی آمریکا مبنی بر اینکه اروپا باید بر خودش متکی باشد، گفت، تکیه بر دیگران برای امنیت به طور حتم هزینه‌بردار است. براساس گزارش خبرگزاری آنتاولی، وی با بیان اینکه دفاع از خود یک «فرآیند اجتناب‌ناپذیر و یک فرصت» برای اتحادیه اروپا است، خاطرنشان کرد این امر هزینه اقتصادی در پی دارد اما در نهایت با آزادی سیاسی همراه خواهد بود. نخست‌وزیر ایتالیا همچنین ادعاهای مربوط به «شکاف» در روابط بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا را رد کرد و گفت که با برخی ارزیابی‌های انجام‌شده در مورد سیاست اروپا در سند استراتژیک ایالات متحده موافق است، که به گفته او بیانگر یک وضعیت دیرینه است. جورجیا ملونی در مورد موضع ایتالیا در مورد جنگ روسیه و اوکراین گفت که موضع دولت او از ابتدا روشن بوده و آنها از اوکراین برای ایجاد صلح حمایت می‌کنند.



رد قیومت بر غزه

رئیس حماس در خارج از غزه تأکید کرد رژیم صهیونیستی به دنبال این است که منطقه را تسلیم دستورکارهای خود کند. «خالد مشعل» رئیس حماس گفت: اسرائیل به دنبال این است که منطقه را مطیع دستورکارهای خود کند و این یک خطر واقعی است. زمان آن فرا رسیده است که این امت در مورد آزادسازی قدس و بازگرداندن اماکن مقدس اسلامی و مسیحی تصمیم بگیرد. ما هرگونه قیومت بر غزه را رد می‌کنیم؛ فلسطینی‌ها خود باید سرزمین‌شان را اداره کنند. طبق گزارش الجزیره، وی افزود: وحشیانه‌ترین تصاویر جنگ ویرانگر پایان یافته است اما گرسنگی، محاصره، بستن مرزها، عدم کمک‌رسانی و مجازات جمعی همچنان ادامه دارد. باید از مقاومت و سلاح آن محافظت کرد. کرانه باختری باید از یهودی‌سازی، گسترش شهرک‌سازی و آوارگی نجات یابد. مشعل گفت: ما باید برای آزادی أسرا در زندان‌های دشمن تلاش کنیم. بدون اتحاد و مشارکت نمی‌توان به پیروزی رسید و این دعوتی برای همه است تا تصمیم‌گیری را به انحصار خود درنیاورند. باید از وحدت ملی فلسطین چه در داخل و چه در خارج از فلسطین حمایت کرد.